

# درنگی در آستانه آتشکده

شاهکاری از حجة الاسلام نیر تبریزی

محمد صحتی سردرودی



انگیزه پژوهش در علوم اسلامی

دست می‌گردد؛ تا آنجا که بیش از چهار بار به صورت چاپ سنگی منتشر می‌شود.<sup>۲</sup>

نخست در سال ۱۳۱۵ ق در تهران و سپس در سال ۱۳۴۶ ق، همراه با غزلیات نیر، در تبریز چاپ شد و ...<sup>۳</sup> پس از آن نیز چندین بار به صورت حروفچینی شده و به نام «آتشکده» و «دیوان اشعار» انتشار یافته است. بنابراین در حقیقت سه کتاب است که در یک مجلد گنجانده شده است، و امروز چنانچه متداول و معروف است به آن بیشتر «آتشکده» گفته می‌شود تا «دیوان اشعار» یا «دیوان نیر». صد البته آنچه به نام دیوان اشعار منتشر شده، بهتر و دقیق تر و چشم نوازتر از آن است که به نام آتشکده انتشار یافته است؛ گرچه این نیز در تنظیم و ترتیب، تفاوتی با آن ندارد. به هر حال کتاب به این ترتیب است:

۱. آتشکده. در قالب مثنوی و هموزن مثنوی جلال الدین

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷، چاپ قدیم، سنگی.

۲. آتشکده حجة الاسلام نیر تبریزی، ص ۱۷۲ (مأخره ناشر).

۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیخه، ج ۱، ص ۵.

آتشکده، حجة الاسلام نیر تبریزی، مرکز نشر کتاب، ۲۷۶ ص، رقی.

آتشکده مصداق آشکاری از حدیث حرارت حسینی است که «إن لقتل الحسین حرارة فی قلوب المؤمنین»<sup>۱</sup> را به تفسیر نشسته است.

آتشکده کتابی پر آوازه، اثری با محتوا و ژرف و ماندنی است. به زبان رسای شعر اصیل، در قالب‌های مختلفی مثل مثنوی، ترکیب بند، قصیده، غزل و ... از امام حسین (ع) و حماسه‌های ناب عاشورا، سخن می‌گوید.

حرارت و صمیمیتی که در لطف سخن حجة الاسلام دیده می‌شود، حاکی از حال و حیات حسینی است که نیر در سایه سار آن اقبال و اشراق یافته و آتشکده را با صفا، راست و حسینی ساخته است. درست به همین دلیل است که می‌بینیم کتاب او، پس از انتشار قبول خاطر خاص و عام شده، در میان شاعران و ادب دوستان به ویژه در بین مداحان و ذاکران ابی عبدالله دست به

محمد مولوی سروده شده است. ۴ حجة الاسلام خود درباره نام و تاریخ آن می گوید:

بس که دل سوز آمد این نظم رده  
آمد از هاتف بنام، آتشکده  
شکر کاین منظومه مشکین ختام  
در هزار و سیصد و نه شد تمام<sup>۵</sup>

۲. لاکمی منظومه. در قالب ترکیب بند و غزل و قصیده و ... در این قسمت اشعاری به زبان های ترکی و عربی و بیشتر فارسی گردآوری شده و از میان شعرهای فارسی که زبان غالب کتاب است، ترکیب بند بلندی در ۲۸ بند سروده شده است که پیشتر با عنوان «سی و سه بند» نیز به صورت مستقل انتشار یافته است. این اثر سترگ دارای صلابت و صمیمیت خاصی است که در اشعار دیگر این مجموعه دیده نمی شود و حائز امتیازات چندی است که آن را از نظایر خود ممتاز می سازد. حتی از ترکیب بند معروف و مسبوق محشتم نیز موفق تر و فراتر می رود. از میان اشعار عربی که تنها شامل سه قصیده می شود، قصیده نخست در رثای امام حسین (ع) و نود بیت، در بحر کامل سروده شده است و قصیده دوم و سوم به ترتیب در مدح امام علی (ع) و امام زمان (عج) است و این آخری که در نوع خود شاهکار شمرده می شود، به نام های «قصیده ندبه»<sup>۷</sup> و بیشتر به اسم «لامیة الترك»<sup>۸</sup> معروف است. از میان شعرهای ترکی که چندان هم زیاد نیست، جالب تر از همه شعری است که با عنوان «مناجات از قول سیدالشهدا (ع)» آورده شده است:

محبوبیم الله لیبیک لیبیک  
مطلوبیم الله لیبیک لیبیک  
گر گچسه مین بول باشم جدایه  
بو تن یو تسلیم حکم قضایه  
وقف ایتشمم جان کوی بلایه  
محبوبیم الله لیبیک لیبیک  
تا وار بو باشدا عشقون هواسی  
تیغ جفادن یو خدور هراسی  
نوک ستاندور کوه مناسی  
محبوبیم الله لیبیک لیبیک ...<sup>۹</sup>

۳. غزلیات فارسی. این قسمت گرچه چندان ارتباط آشکاری با موضوع کلی کتاب (مدح و مرثیای امام حسین (ع) و اهل بیت (ع)) ندارد، با کمی تأمل و دقت می توان دریافت که بیگانه با اصل موضوع هم نیست و بیشتر با همان حال و هوای علوی-حسینی سروده شده است:

مگر قدم به ره عشق هشتن آسان است  
سر سران جهان، ریگ این بیابان است

تمتعی که بود تشنه را ز آب فرات

مراز خنجر قاتل هزار چندان است ...<sup>۱۰</sup>

آتشکده بیشتر با دو اثر گرانشنگ دیگری که آنها هم در حول و حوش حماسه عاشورا سروده شده اند، مقایسه و سنجیده می شود: یکی زبده الاسرار سروده حسن صفی علیشاه (۱۲۵۱-۱۳۱۶ ق) و دیگری گنجینه الاسرار [گنجینه اسرار] سروده عمان سامانی (۱۲۶۴-۱۳۲۲ ق) این هر سه اثر چنان به هم می مانند که بی گمان از یکدیگر تأثیر پذیرفته و به استقبال هم رفته اند، اما قرائن و شواهدی که بتواند تقدیم آتشکده را به ویژه بر زبده الاسرار ثابت کند، کافی نبوده، بیشتر مفید احتمال است. به هر صورت این هر سه کتاب در زمان های نزدیک به هم سروده شده است (هر سه در اوائل قرن چهاردهم قمری). روضه الاسرار، مثنوی دیگری است که شمس الشعرا سرورش اصفهانی سروده است و می توان در کنار این سه مثنوی عاشورایی از آن نیز سخن گفت که در این مقال، مجال بیش از این نیست. اما امتیازات مهمی که آتشکده را از امثال خود جدا ساخته است، در سه ویژگی کلی خلاصه می شود:

۱. اصطلاحات تکان دهنده و غیر مناسبی که از مبالغه های صوفیانه و خانقاهی ناشی می شود، به هیچ وجه در آتشکده به رخ خواننده کشیده نشده است؛ در حالی که هم در زبده الاسرار و هم در گنجینه الاسرار، این کار از حد تکرار گذشته و گاهگاهی به مرز اطناب ممل هم رسیده است (گنجینه الاسرار، بیشتر صفحات؛ زبده الاسرار همه صفحات). برخلاف شیخ صفی و عمان سامانی که نظر به تصوف و احادیث مرسل و ضعیف دارند،<sup>۱۱</sup> نیر بیشتر نظر به آیات قرآن<sup>۱۲</sup> و احادیث،

۴. آتشکده، ص ۲-۱۰۲.

۵. همان، ص ۱۰۲.

۶. همان، ص ۱۰۳-۱۷۲.

۷. همان، ص ۱۶۴.

۸. جعفر سبحانی، ملتقطات، ص ۲۱۹.

۹. آتشکده، ص ۱۲۵.

۱۰. همان، ص ۱۹۱.

۱۱. زبده الاسرار، ص ۱۶، ۳۰۰ و ...؛ گنجینه الاسرار، ص ۱۱، ۱۸ و ...

۱۲. آتشکده، ص ۹، ۷۶ و بیشتر صفحات.

گرچه وقت جانفشانی دیر شد  
مهلتی بایست تا خون شیر شد  
جرعه‌یی از جام تیر و دشمنه ام  
در گلویم ریز که بس تشنه ام  
تشنه ام آبم ز جوی تیر ده  
کم شکیم خون بجای شیر ده  
تا نگرید ابر کی خندد چمن  
تا نالند طفل کی نوشد لبن<sup>۱۵</sup>

و آنجا که می خواهد از شهادت پیشوای شهیدان (ع) سخن گوید، زبان حال حضرت را نه در میان خیل خروشان اشرار و لشکر کوفه و شام که در مکالمه با فرشتگان و ارواح قدسی روایت می کند و در نتیجه حکایت هایی که به نظم می کشد، به جای اینکه قصه ذلت و غصه و غم باشد، حدیث حریت و عزت است.<sup>۱۶</sup> سرانجام نیز با عنایت به حدیثی که از امام سجاده (ع) روایت شده است،<sup>۱۷</sup> چنین نتیجه می گیرد:

هر چه بر وی سخت تر گشتی نبرد  
رخ ز شوقش سرخ تر گشتی چو ورد  
آری آری عشق را این است حال  
چون شود نزدیک هنگام وصال<sup>۱۸</sup>

و سخن امام سجاده (ع) را که خطاب به یزید فرمود: «أبًا لقتل تُهَدِّدُنِي أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كَرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ».<sup>۱۹</sup> به صورت دقیق و رسا و بنا بر همان اصل چنین ترجمه می کند:

ما نداریم از قضای حق گله  
عار ناید شیر را از سلسله  
من ز جان خواهم شدن در خون غریق  
کی سمندر باز ترسد از حریق  
کشته گشتن عادت دیرین ماست  
این کرامت دیدن و آیین ماست  
حلق رو به در خور زنجیر نیست  
لایق زنجیر او جز شیر نیست<sup>۲۰</sup>

۳. تحلیل تاریخی دقیق و ریشه یابی صحیح واقعه کربلا

۱۳. همان، ص ۶۰؛ سید ابن طاووس، لهوف فی قتل الطوفوف، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۱۴. آتشکده، ص ۸۰، بیت ۱۳-۲۲.

۱۵. همان، ص ۳۶-۳۷.

۱۶. همان، ص ۴۶-۵۳.

۱۷. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۸۸، حدیث سوم، چاپ قم.

۱۸. آتشکده، ص ۵۵.

۱۹. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۸.

۲۰. آتشکده، ص ۸۷، ۱۰۰.

تاریخ و مقاتل معتبر دارد.<sup>۱۳</sup> نیز حتی از تعریض و تحقیر برخی صوفی مشرب ها نیز اباء ندارد و گاه با تصریح هم به آنها طعنه می زند.<sup>۱۴</sup>

۲. غفلت نکردن از مقام ولایت امام حسین (ع) و وسعت بخشیدن به دیدگاه شاعرانه است که شاعر را موفق می کند تا واقعه کربلا را در پرتو درخشان امامت و عصمت به زیارت و روایت نشیند و به جای اینکه مرعوب سنگدلی و قساوت صف مقابل شود فکر و ذکرش را معطوف اخلاص، ایثار و شهادت سیدالشهدا (ع) و باران باوفایش کند. این اصل اساسی، مهم ترین شاخصه ای است که در سراسر هر سه کتاب (آتشکده، زنده و گنجینه) به چشم می خورد. حجة الاسلام نیز حتی در ترسیم چهره شهید شیرخوار کربلا هم این اصل را به خوبی لحاظ می کند:

شیرخواره شیرغاب پردلی  
نعت او عبدالله و نامش علی  
در طفولیت مسیح عهد عشق  
«آئی عبدالله» گو در مهد عشق  
ماهی بحر لدنی در شرف  
ناوک نمرود امت را هدف  
کودکی در عهد مهد استاد عشق  
داده پیران کهن را یاد عشق  
طفل خرد اما بمعنی بس سترگ  
کز بلندی خرد بنماید بزرگ  
خود کبیر است ارچه بنماید صغیر  
در میان سبعة سیاره، تیر  
دید اصغر خفته در حجر ریاب  
چون هلالی در کنار آفتاب  
با زبان حال آن طفل صغیر  
گفت با شه کی امیر شیرگیر  
جمله را دادی شراب از جام عشق  
جز مرا کمتر نشد زان کام عشق  
طفل اشکی در کنار، افتاده ام  
مفکن از چشمم که مردم زاده ام

است که حکایت از مطالعه عمیق تاریخ و نشانه ژرف اندیشی نیر است. وی بارها در لابه لای اشعارش دست به این تحلیل درست زده که برای نمونه بیت زیر را می توان گواه آورد:

دانی چه روز دختر زهر اسیر شد

روزی که طرح بیعت «متا امیر» شد<sup>۲۱</sup>

البته این تحلیل از عقاید شیعه سرچشمه می گیرد و در متون معارف شیعی نیز از آن سخن گفته شده است. اما در متون ادبی فارسی و در میان شاعران پیش از نیر کسی را سراغ نداریم که چنین با دقت و صراحت از آن سخن گفته باشد.

سرابنده آتشکده، میرزا محمد تقی مامقانی تبریزی (تبریز ۱۲۴۸- تبریز ۱۳۱۲ ق) معروف به حجة الاسلام تبریزی، متخلص به نیر، فرزند ملا محمد مامقانی حجة الاسلام تبریزی است که پدرش رئیس هیئت علمای آذربایجان در محاکمه و اعدام علی محمد باب در تبریز بود و بزرگ دانشمندان شیخیه آذربایجان در عصر خویش شمرده می شد. <sup>۲۲</sup> وی پرآوازه تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد. فشرده سخن اینکه وی عالم فاضل، ادیب، شاعر، نقاد و نویسنده چیره دست در هر سه زبان عربی، فارسی و ترکی است. <sup>۲۳</sup> فارغ التحصیل حوزه علمیه نجف اشرف است و به قول محمدعلی صفوت:

«در آسمان علم و ادب، آفتابی جهان تاب بود که صدها ستاره درخشان از او کسب روشنی کرده است ... در زمان خود بر فرض این که از معاصرین دانا، همپا و نظیری داشته در قسمت ادبیات و قریحه شاعری از نوادر روزگار بود، ... در حسن خط و خوشنویسی ماهر و زبردست بود ... مردی بسیار بزرگوار و در عین شهرت و مرجعیتی که داشت، مجهول القدر زمان خود بود.» <sup>۲۴</sup> کتاب های صحیفه الابرار فی مناقب الاطهار؛ فسوة الفصیل؛ کشف السبحات فی تحقیق الصفات؛ مفاتیح الغیب؛ لئالی منثوره؛ مثنوی در خوشاب و ... <sup>۲۵</sup> و رساله های علم الساعه، لمح البصر، نصره الحق، الفیه؛ شرح انا النقطة، تفسیر ما خلقت الجن والانس و ... <sup>۲۶</sup> و تنظیم و تحریر زاموس ناصری از تقریرات پدرش، آثار اندیشه و ذوق و قلم حجة الاسلام نیر است.

با این همه حجة الاسلام، بیشتر با اثر گرانسنگ و پر بارش، آتشکده، شناخته شده است و به جرأت می توان گفت که آتشکده - به ویژه ترکیب بند بلند آن - شاهکار قلمی نیر تبریزی است.

اینک با نقل یک بند از آن، دامن سخن را فرامی چینیم و یادآوری می کنیم که ابیات بسیاری از آن ترکیب بند، امروزه ضرب المثل گشته و همه جا کاربرد دارد و مصادیق روشنی است از آن حدیث علوی که امام علی (ع) گفت: «شعر برتر، شعری است که

ضرب المثل گردد». <sup>۲۷</sup> اکنون شعر نیر تبریزی چنان است که مولا فرموده و بدون تبلیغات رسمی و دولتی، همه جا راه یافته و دل ها را مجذوب و محسور خود ساخته است:

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سر گیرد و برون رود از کربلای ما

ناداده تن به خواری و نا کرده ترک سر

نتوان نهاد پای به خلوت سرای ما

تا دست و رو نشست به خون می نیافت کس

راه طواف بر حرم کبریای ما

این عرصه نیست جلوه گه روبه و گراز

شیر افکن است بادیه ابتلای ما

همراز بزم ما نبود طالبان جاه

بیگانه باید از دو جهان آشنای ما

بر گردد آنکه با هوس کشور آمده

سر ناورد به افسر شاهی گدای ما

ما را هوای سلطنت ملک دیگر است

کین عرصه نیست در خور فرهای ما

یزدان ذوالجلال به خلوت سرای قدس

آراسته است بزم ضیافت برای ما

برگشت هر که طاقت تیر و سنان نداشت

چون شاه تشنه کار به شمر و سنان نداشت<sup>۲۸</sup>

۲۱. همان، ص ۱۱۶، ۵۹، ۷۰.

۲۲. نیر تبریزی، گفت و شنود سید علی محمد باب با روحانیون تبریز

[ناموس ناصری]، ص ۱۷۱.

۲۳. آقابزرگ تهرانی، نقیبه الیشر، ج ۱، ص ۲۶۶؛ محمدعلی تربیت،

دانشمندان آذربایجان، ص ۳۸۹.

۲۴. محمدعلی صفوت، داستان دوستان، ص ۲۲-۲۸.

۲۵. اللریجه، زیر نام کتاب های یاد شده.

۲۶. نقیبه الیشر، ج ۱، ص ۲۶۶؛ داستان دوستان، ص ۲۲.

۲۷. چهل حدیث شعر، ص ۲۴، نگارنده، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، تهران.

۲۸. آتشکده، ص ۱۰۸، بند سوم از سی و سه بند.